



Atlantic Council

تحریم پهبادی روسیه

از اوایل آگوست ۲۰۲۵، اوکراین حملات دوربردی را با هدف قرار دادن زیرساخت‌های نفت و گاز روسیه آغاز کرده است؛ زیرساخت‌هایی که اقتصاد جنگی روسیه را تغذیه می‌کنند. این تهاجم هوایی بسیار موفقیت‌آمیز بوده و به کاهش درآمدهای صادراتی و کمبود بنزین در سراسر روسیه منجر شده است. با این حال، اگر چه آنچه اوکراینی‌ها «تحریم‌های پهبادی» می‌نامند، به مشکلات اقتصادی کرملین افزوده است، اما بعید است که این فشارها به مخالفت داخلی جدی با جنگ در روسیه دامن بزند. در عوض، پیشرفت به سوی صلح، به فشار خارجی پایدار از سوی کی‌یف و شرکای بین‌المللی‌اش بستگی دارد.

اگر چه کرملین تلاش می‌کند ابعاد خسارات ناشی از حملات اوکراین به بخش انرژی را پنهان کند، اما شکی نیست که این حملات، پیامدهای جنگ پوتین را به زندگی مردم عادی روسیه کشانده است. در اوایل اکتبر، آژانس بین‌المللی انرژی ارزیابی خود را از روسیه کاهش داد و اعلام کرد که تأثیر حملات پهبادی، تولید پالایشگاه‌های روسیه را حداقل تا اواسط سال ۲۰۲۶ پایین نگه خواهد داشت. همزمان، مالکان خودرو در سراسر روسیه به دلیل مشکلات عرضه بنزین، مجبور به ایستادن در صف‌هایی شده‌اند که از روزهای تاریک اوایل دهه ۱۹۹۰ بی‌سابقه بوده است.

موج کنونی کمبود سوخت، تلاش‌های کرملین برای محافظت از مردم روسیه در برابر پیامدهای منفی جنگ را تضعیف می‌کند. پوتین همواره مراقب بوده تا تأثیر جنگ بر زندگی مردم عادی را محدود کند؛ به همین دلیل، سرایگری عمدتاً بر مناطق محروم، زندانیان و داوطلبان با انگیزه‌های مالی متمرکز بوده است. این رویکرد با «قرارداد اجتماعی» نانوشت‌های همخوانی دارد که طی ۲۵ سال حکومت پوتین شکل گرفته است؛ قراردادی که بر اساس آن، او در ازای محدود کردن آزادی‌های فردی و سکوت سیاسی مردم، سطح زندگی بالاتری را به آن‌ها ارائه می‌دهد.

این به اصطلاح «قرارداد اجتماعی» میان پوتین و مردم روسیه، مدت‌ها قبل از حملات اخیر اوکراین به صنعت انرژی روسیه، شروع به فروپاشی کرده بود. طی سه سال و نیم گذشته، تهاجم همه‌جانبه به اوکراین منجر به تلفات نظامی بی‌سابقه‌ای در اروپا از زمان جنگ جهانی دوم شده است.

همزمان، رشد اقتصادی در تمام بخش‌ها به جز بخش دفاعی متوقف شده و پرداخت‌های هنگفت به نظامیان، وابستگی عمومی به جنگ را عمیق‌تر کرده است. سرکوب سیاسی در جامعه روسیه به سطوح بی‌سابقه‌ای رسیده، زیرپوتین از شرایط جنگی استفاده کرده تا گذار کشور از یک دموکراسی ناقص به یک اقتدارگرایی تمام‌عیار را کامل کند. با وجود این وضعیت وخیم داخلی، هنوز هیچ نشانه‌ای از یک جنبش ضدجنگ جدی در روسیه دیده نمی‌شود.

انتظار هرگونه شورش مردمی در روسیه به دلیل نقض این قرارداد اجتماعی از سوی پوتین، احتمالاً واقع‌بینانه نیست. مخالفت از درون نخبگان روسیه نیز به همان اندازه بعید به نظر می‌رسد. با قرار گرفتن اقتصاد روسیه در وضعیت کاملاً جنگی، این تهاجم اکنون به عاملی حیاتی در تعیین ثروت و جایگاه نخبگان سیاسی و تجاری کشور (الیگارش‌ها) تبدیل شده است. با توجه به اینکه اکثر این نخبگان شخصاً به پوتین وابسته هستند و از سوی غرب طرد شده‌اند، به نظر می‌رسد شرایط برای یک کودتا در کرملین تقریباً وجود ندارد. در عوض، تهاجم به اوکراین به پوتین اجازه داده تا سلطه خود را بر قدرت محکم‌تر کند و اطرافیان‌ش را مجبور کرده است تا به او نزدیک‌تر شوند.

این بدان معنا نیست که استراتژی کنونی اوکراین در حمله به بخش انرژی روسیه بی‌فایده است؛ در واقع، کاملاً برعکس. اما با توجه به اینکه پوتین در جبهه داخلی موفقیت خود را کاملاً محکم کرده است، تنها فشار خارجی می‌تواند او را مجبور به دست کشیدن از جنگ کند. حملات اوکراین به صنعت نفت و گاز پوتین از هم اکنون تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد روسیه دارد. اگر این روند تا سال ۲۰۲۶ حفظ شود، آسیب اقتصادی می‌تواند بسیار شدیدتر شود. این امر توانایی مسکو را برای تأمین مالی جنگ محدود خواهد کرد و همزمان بر بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی روزمره در روسیه تأثیر منفی خواهد گذاشت.

بین‌الملل
INTERNATIONAL

محمدحسین لطف‌الهی

خبرنگار بین‌الملل

چهارمین جلسه عمومی بیستمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برای ترسیم چشم‌انداز ۵ ساله این کشور در حالی روز دوشنبه ۲۰ اکتبر آغاز شد که جنگ تجاری با آمریکا و احتمال تشدید فشارهای اقتصادی و سیاسی بر چین از سوی جهان غرب بر آینده دومین اقتصاد بزرگ جهان سایه انداخته است.

این گردمایی بزرگ که به عنوان «پلوم چهارم» شناخته می‌شود، فرصتی بزرگ برای شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین و دبیرکل حزب کمونیست است که پیش از دیدار از پیش‌برنامه‌ریزی شده با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، یکپارچگی و ثبات سیاسی و اقتصادی در چین را به رخ همتای آمریکایی خود بکشد. از نظر زمانی، نشست اعضای ارشد حزب کمونیست همزمان با چهارمین هفته تعطیلی دولت آمریکا برگزار می‌شود. دولت آمریکا روز چهارشنبه ۱ اکتبر پس از شکست گفت‌وگوها میان جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در مجلس سنا برای تمدید تأمین مالی دولت، بالاچار تعطیل شد.

بر اساس گزارش ساوث چاینا مورنینگ پست، در این نشست که روز پنجشنبه به پایان می‌رسد، بیش از ۳۵۰ نفر از اعضای اصلی و علی‌البدل حزب کمونیست چین حاضر هستند و تدابیر امنیتی شدیدی در پکن برای حفاظت از مهمانان در نظر گرفته شده است. این نشست، یکی از هفت جلسه عمومی است که معمولاً در فاصله بین دو کنگره سراسری حزب (در یک دوره پنج ساله) برگزار می‌شود. داده‌های منتشرشده توسط اداره ملی آمار چین در روز دوشنبه نشان می‌دهد که سرعت رشد اقتصادی این کشور در سه ماهه سوم سال جاری نسبت به دوره سه‌ماهه قبلی کاهش یافته‌ و از ۵/۲ درصد به ۴/۸ درصد رسیده است.

رسانه‌ها گزارش داده‌اند که تمرکز مقام‌های ارشد حزب کمونیست در این نشست بر برنامه‌ریزی اقتصادی و بررسی «پیشنهاد کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره تدوین پانزدهمین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی ملی» معطوف باشد. سی‌ان‌ان در این باره نوشته است: «انتظار می‌رود برنامه پنج‌ساله‌ای که محور اصلی این نشست است، بر امنیت اقتصادی و نوآوری‌های فناورانه، به‌ویژه در بخش‌هایی مانند هوش مصنوعی، محاسبات کوانتومی، انرژی‌های نو و بیوتکنولوژی تمرکز داشته باشد. این برنامه از سال ۲۰۲۶ تا پایان دهه اجرا خواهد شد.» با این حال، به نوشته سی‌ان‌ان احتمال قرار گرفتن مسائلی مهم‌تر در دستور کار نشست نیز وجود دارد: «این گردمایی ممکن است شامل تغییرات و انتصابات جدید نیز باشد تا افرادی جایگزین مقاماتی شوند که در جریان پاکسازی‌های اخیر برکنار شده‌اند.»

▼ از جزئیات برنامه ۵ ساله چه می‌دانیم؟

برنامه‌های پنج‌ساله، ستون فقرات حکمرانی در جمهوری خلق چین هستند. این اسناد صرفاً مجموعه‌ای از اهداف اقتصادی نیستند، بلکه نقشه راهی جامع برای توسعه ملی هستند که تحت رهبری حزب کمونیست چین (CCP) تدوین و اجرا می‌شوند. درک تأثیر جهانی این برنامه‌ها مستلزم تحلیل سیر تکاملی آن‌هاست؛ از الگوهای اولیه شوروی تا ابزارهای پیچیده استراتژی جهانی در دوران معاصر. این تکامل نشان‌دهنده ظرفیت انطباق‌پذیری و جاه‌طلبی روزافزون چین در عرصه بین‌المللی است.

نخستین برنامه‌های پنج‌ساله چین (برنامه‌های اول تا پنجم) که از سال ۱۹۵۳ آغاز شدند، به شدت تحت تأثیر مدل برنامه‌ریزی متمرکز شوروی قرار داشتند. تمرکز اصلی این برنامه‌ها بر صنعتی‌سازی سنگین و ایجاد مالکیت دولتی در بخش‌های مدرن اقتصاد بود. برنامه اول (۱۹۵۳-۱۹۵۷) به موفقیت‌های چشمگیری در ایجاد ظرفیت صنعتی دست یافت؛ هزاران کارخانه صنعتی و معدنی ساخته شد، تولید صنعتی با میانگین سالانه ۱۹ درصد رشد کرد و درآمد ملی سالانه ۹ درصد افزایش یافت. این موفقیت اولیه، اصل توسعه دولت‌محور و بسیج توده‌ای را در ذهنیت رهبران چین تثبیت کرد.

با این حال، این دوره شاهد شکست‌های فاجعه‌باری نیز بود. برنامه دوم، معروف به «یک گام بزرگ به جلو» (۱۹۵۸-۱۹۶۲)، با اهدافی غیرواقع‌بینانه برای افزایش تولید فولاد و محصولات کشاورزی، به یک فاجعه انسانی منجر شد. این برنامه که با روش‌های انقلابی و ایدئولوژیک مانو اجرا می‌شد، اقتصاد را ویران کرد و به فحطی گسترده‌ای انجامید که جان میلیون‌ها نفر را گرفت. این تجربه تلخ، درسی عمیق برای رهبران بعدی حزب کمونیست به همراه داشت.

با به قدرت رسیدن دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸، چین شاهد یک چرخش استراتژیک بود. سیاست اصلاحات و درهای باز اعلام شد و تمرکز به توسعه اقتصادی معطوف شد. برنامه‌های پنج‌ساله این دوره (تقریباً از ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵) به ابزارهای اصلی برای مدیریت این گذار تبدیل شدند. این برنامه‌های پنج‌ساله به عنوان یک مکانیسم کنترلی عمل می‌کردند که به دولت اجازه می‌داد سرعت و جهت تغییرات را مدیریت کند. مناطق ویژه اقتصادی مانند شنزن، با ارائه مشوق‌های مالیاتی و زیرساخت‌های پیشرفته، به موتور رشد سریع اقتصادی تبدیل شدند. این مناطق به دولت اجازه دادند تا سرمایه‌داری را در محیط‌های جغرافیایی کنترل‌شده آزمایش کند. درس‌های آموخته‌شده از این مناطق سپس به‌طور سیستماتیک در برنامه‌های پنج‌ساله بعدی در سطح ملی تعمیم داده شد.

برنامه‌های پنج‌ساله معاصر، به‌ویژه تحت رهبری شی جین‌پینگ، نشان‌دهنده یک چرخش استراتژیک دیگر هستند. برنامه‌های

یازدهم و دوازدهم (۲۰۰۶-۲۰۱۵) برای اولین بار به‌طور جدی به پیامدهای منفی رشد سریع، مانند تخریب محیط زیست و نابرابری، پرداختند. اما برنامه‌های سیزدهم (۲۰۱۶-۲۰۲۰) و چهاردهم (۲۰۲۱-۲۰۲۵) یک تغییر بنیادین را نمایندگی می‌کنند. در این برنامه‌ها، گفتمان رسمی از «رشد سریع» به «توسعه با کیفیت بالا» تغییر یافت. جزئیات کامل برنامه پنج‌ساله بعدی چین تا ماه مارس آینده، یعنی پس از تصویب آن توسط مجلس قانون‌گذاری، منتشر نخواهد شد. با این حال، شی جین‌پینگ که در حال تنظیم استراتژی اقتصادی چین برای باقی‌مانده این دهه است، پیش از این اولویت‌های خود را به وضوح اعلام کرده و گفته است که هدف او تضمین «توسعه با کیفیت بالا» برای کشور است.

قانون‌گذاران ارشد چین ماه گذشته در گزارشی درباره این طرح گفتند: «اساس رقابت استراتژیک میان قدرت‌های بزرگ، رقابت بر سر قدرت همه‌جانبه است. ما تنها با ارتقای جدی قدرت اقتصادی، قدرت علمی و فناورانه و قدرت کلی ملی خود می‌توانیم ابتکار عمل استراتژیک را به دست آوریم.» شی در اوایل سال جاری از رهبران استانی خواست که در پنج سال آینده، بر توسعه صنایع نوظهور و آینده‌دار تمرکز کنند. او بر لزوم دستیابی به پیشرفت‌های بزرگ در فناوری‌های کلیدی و جدید تأکید کرد و همزمان خواستار هماهنگی میان «توسعه و امنیت» و توجه به «ریسک‌های داخلی و خارجی» شد. چین پیش از این در صنایع پیشرفته‌ای مانند خودروهایی الکتریکی، پنل‌های خورشیدی و باتری‌ها، پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. این کشور همچنین در حال کاهش سریع فاصله خود با آمریکا در سایر حوزه‌های پیشرفته مانند نیمه‌هادی‌ها، هوش مصنوعی و بیوتکنولوژی است؛ بخش‌هایی که در برنامه پنج‌ساله کنونی (که امسال تمام می‌شود) نیز مورد توجه بودند. اما این نوآوری صنعتی، مشکل «مازاد ظرفیت تولید» را نیز به همراه داشته است. افزایش شدید تولید، تنش‌هایی را با شرکای تجاری چین ایجاد کرده است. آن‌ها چین را متهم می‌کنند که بازار جهانی را با کالاهای ارزان قیمت اشباع کرده است. این وضعیت در

شی در اوایل سال جاری از رهبران استانی خواست که

در پنج سال آینده، بر

توسعه صنایع نوظهور و

آینده‌دار تمرکز کنند.

او بر لزوم دستیابی به

پیشرفت‌های بزرگ در

فناوری‌های کلیدی

و جدید تأکید کرد

و همزمان خواستار

هماهنگی میان «توسعه

و امنیت» و توجه به

«ریسک‌های داخلی و

خارجی» شد

داخل کشور نیز به تورم منفی (کاهش قیمت‌ها) و جنگ قیمتی شدید میان شرکت‌ها منجر شده است.

اقتصاد چین در حال حاضر نیازمند یک بازتنظیم جدی است، زیرا با چالش‌های متعددی روبه‌روست: رکود طولانی‌مدت در بخش املاک، تورم منفی پایدار، تقاضای ضعیف مصرف‌کنندگان و نرخ بالای بیکاری جوانان. علاوه بر این، نگرانی‌های بلندمدتی مانند پیری سریع جمعیت و کاهش آن نیز وجود دارد.

علاوه بر این، رشد اقتصادی چین در سه‌ماهه سوم کندتر شد و این موضوع فشار بر حزب کمونیست را برای رسیدن به هدف رشد سالانه افزایش داده است. در مجموع، اقتصاد چین در ۹ ماهه اول سال، ۵/۲ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد کرد.

مقامات دولتی روز دوشنبه، دلیل این کاهش رشد را «فشارهای خارجی و تغییرات در سطح جهانی» (از جمله تأثیر تعرفه‌ها بر اقتصاد جهانی) و همچنین «دوره گذار» اقتصاد چین از محرک‌های رشد «قدیمی به جدید» اعلام کردند.

با وجود تمام این چالش‌های اقتصادی، بیشتر ناظران انتظار دارند که شی مسیر فعلی را که برای چین ترسیم کرده است، حفظ کند و تنها برخی اصلاحات جزئی و هدفمند را انجام دهد.

جیکوب گانتز، رئیس برنامه اقتصاد در اندیشکده MERICS در برلین، در این باره نوشته است: «دلیل کمی وجود دارد که انتظار یک تغییر مسیر اساسی را در برنامه پنج‌ساله جدید داشته باشیم. شی جین‌پینگ اکنون کنترل کامل و قاطعی بر کل سیستم دارد و نیازی نمی‌بیند که در این مقطع، یک برنامه جدید، بسیار متفاوت و خبرساز ارائه دهد.» گانتز معتقد است که در برنامه جدید باید منتظر «سیگنال‌هایی» برای تقویت مصرف داخلی و رسیدگی به رقابت داخلی بی‌رحمانه و فرسایشی باشیم که به دلیل مازاد ظرفیت تولید ایجاد شده است. او افزود، نشانه‌های یک تغییر عمیق‌تر (اگر قرار باشد رخ دهد) تلاش‌های جدی در ماه‌ها و سال‌های آینده برای گسترش شبکه تأمین اجتماعی و حل مسائلی مانند یارانه‌ها و سرمایه‌گذاری بیش از حد خواهد بود.

آینده

دستور کار چهارمین جلسه عمومی بیستمین

